

آیا اولیه

هنوز خانواده هسته و سلول اولیه اجتماع را تشکیل میدهند برای اولیاء در نقش سازندگی شخصیت طفل و فرزند خودشان بایستی الویت اول را قائل شد آنوقت باید پذیریم که تربیت خانوادگی در غالب موارد روی تربیت فرد در مدرسه و اجتماع سایه می افکند و آنها را در دایره نفوذ خود قرار میدهد.

لازم بذکر است که اگر روی تربیت خانوادگی و اهمیت نقش پدر و مادر تاکید میشود قطعا منظور تأیید رژیم پدرشاهی و مادر شاهی نیست که در آن فرزندان بدون گفتگو دستورات و اوامر بزرگترها را اجرا و رعایت نمایند و از لحاظ مادی وابستگی کامل بآنها داده باشند بلکه هدف طرفداری از يك تربیت خانوادگی دموکرات و اصیل و آزادمنش است که احترام شخصیت افراد كوچك و بزرگ در آن ملحوظ و منظور باشد و آزادیهای معقول و منطقی و حقوق افراد خانواده در چهارچوب امکانات مادی و معنوی آنها مورد

آنها پر توافقند.

ما در این بحث در صدمه مقایسه آثار و نتایج هر يك از مراحل تربیتی فوق الذکر روی شخصیت و موقعیت افراد جامعه نیستیم و تردیدی نیست که صرف نظر از موارد استثنائی و خاص که شخص بطور جدی تحت تأثیر یکی از مراحل پیش گفته قرار میگیرد و الویت نفوذ يك عنصر تربیتی در افکار و روحیات او بخوبی هویدا است اثر توأمان سه عامل خانواده - مدرسه - اجتماع را تکوین و پیدایش شخصیت کمتر کسی میتواند انکار کرد.

اما اگر قبول کنیم که اولین مرحله تربیتی فرد همان کانون گرم خانواده است و در جوانی که

در تربیت هر فرد معمولاً سه عامل اثر قطعی و نقش تعیین کننده دارد: خانواده، مدرسه، اجتماع. هر يك از این سه عامل قسمتی از شخصیت افراد را میسازند و بطور یقین نمیتوان گفت تأثیر کدام يك، از دیگری بیشتر است. در اوضاع و احوال خاصی ممکن است ساختمان شخصیت يك فرد بیشتر مرهون و مربوط ب تربیت خانوادگی باشد در حالیکه روحیات شخصی دیگری سخت تحت تأثیر عوامل محیط و خصوصیات اجتماعی قرار گیرد و همینطور افراد دیگری باشند که تربیت محیط مدرسه و خشونت و یا ملامت آن - دلسوزی و یا بی حالی مر بیان بشدت روی خفیات

توجه و عنایت قرار گیرد.

از طرف دیگر وقتی صحبت از خانواده و نظام خانوادگی و تربیت خانوادگی میشود بطور قطع غرض این نیست که بعضی از نظامات رایج کشورهای را که خانواده را بمفهوم و تفسیری که ما می‌شناسیم نفی کرده‌اند مورد انتقاد و عیب‌جویی قرار دهیم چون در چنین نظاماتی که تاسیسات اجتماعی جای خسانواده‌ها را تا اندازه زیادی پر کرده‌اند افراد با تمایلات و روشهای دیگر بار آمده و دیده‌ایم که توانسته‌اند در کادر انتظاراتی که از آنها می‌رود و تعلیماتی که دریافت کرده‌اند، برای جوامع خود بسیار مفید و ارزنده باشند.

غرض ما پیدا کردن آن راه حل مفید و ایده‌آل برای جامعه در حال پیشرفت خودمان است که قبل از تحولات اجتماعی اخیر بسا مسائل بفرنج عقب ماندگی دست بگریبان بوده‌اند و خانواده در آن نقش سازنده داشته ولی

اکنون این تحولات بر روی بنیاد های خانوادگی و روابط اولیاء و فرزندان تأثیرات شگرف گذاشته و اساس و پایه آنرا مورد تهدید قرار داده است. آنچه شاید روح حساس و پاک جوانان را بیش

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

از همه رنج میدهد عدم دست‌یابی به تفریحات و وقت‌گذرانی‌های سالم - وجود عدم توازن و تعادل مادی در بین آنها - نداشتن افق فکری مشابه با والدین خود - دست نیافتن بکار و حرفه مناسب و

دلخواه و وجود نداشتن امکانات تحصیلی کافی است که آثار آن بصورت اعتراضات دسته جمعی، بی بندوباریهای زنده و هیپی گری و تغییرات غیر مطبوع و عجیب در سر و وضع ظاهری آنها ظاهر میشود و از همه بدتر اینکه بسیاری از جوانان ناکامیهای اجتماعی خود را تا حد زیادی مربوط به والدین خود دانسته تصور میکنند که قصور آنها در نیاوندن و ختن دانش و علم و یا مال و منال و یا نداشتن سازشها و هم آهنگیهای اجتماعی در گذشته و یا فقدان تدابیر و پیش بینیهای خاص برای تامین احتیاجات مادی و معنوی آتی و یا نداشتن نرمش و انعطاف کافی برای درک موقعیت و شرایط فعلی دنیا موجب احساس فقدان آرامش و ناامنی و ناراضی آنها در محیط زندگی فراهم ساخته است.

بدون تردید در تحولات اجتماعی ایران و در نهضت صنعتی شدن کشور تبعیض و بی عدالتی ممکن است وجود داشته باشد. درآمدها شاید بطور کاملاً عادلانه تقسیم شود همه از امکانات مادی و معنوی مساوی برخوردار نباشند این وضعیت روحی جوانان و مشکلاتی که ناشی از تحول و

در گرونیهای سریع اجتماعی است در تمام کشورهای در حال توسعه و حتی پیشرفته بصور مختلف بچشم میخورد. قطعاً در چنین اوضاع و احوالی که همه گرفتار مشکلات و مسائل پیچیده پیشرفت و تحول هستند نه اجتماع و نه مدرسه و نه دانشگاه آنطوریکه باید و شاید در روح حساس و پاکیزه جوان نیازمند آن هست نمی تواند اورا به آرامش و واقع بینی و خو گرفتن به تجزیه و تحلیل سالم مسائل اجتماعی دعوت نماید.

متأسفانه اولیاء در بسیاری از موارد جوانان را تنها می گذارند. خود براهی میروند و فرزندان خود را براهی دیگر میفرستند تفریحات و اوقات فراغت و وقت گذرانیهای آنها از یکدیگر جداست در اغلب اوقات در باره مسائل اجتماعی به بحث و گفتگو و همفکری میپردازند گویانکه کمتر اتفاق می افتد که افق فکری چه از لحاظ وجود اندازه دانش و علم و یا نحوه برخورد با مسائل اجتماعی در اولیاء و فرزندان یکی باشد. اما یقین است که ایجاد یک سیستم گفت و شنود در هر سطح و هر درجه ای تا اندازه زیادی امکان پذیر است.

ما اگر انتظار داشته باشیم که بایک مرتبه بحث و گفتگو و تبادل نظر در مسائل عمیق و پیچیده اجتماعی نظرات با یکدیگر نزدیک شود و اختلاف دید بوحدت نظر گراید اشد نباه بزرگی مرتکب شده ایم در حل و فصل مسائل اجتماعی استمرار و کوشش و پی گیری لازم است. هرگز نباید انتظار داشت که یک نوجوان امروزی با در اختیار داشتن انواع و اقسام وسایل ارتباط جمعی و احتمالاً امکانات مادی و تفریحی در یک جلسه بحث و گفتگو بمنطق ما تسلیم شود گاهی در قانع کردن یک نوجوان و یا انتقال یک فکر در ذهن و فکر او به یک مبارزه و حتی پیکار واقعی نیازمندیم که تا پایان و با حوصله و شکیبایی کامل آنرا ادامه دهیم.

بسیاری از اولیاء هستند که گذشت و تحمل لازم را ندارند و نه تنها در شنیدن حرفهای منطقی و صحیح نسلی که در جوانی خود چیزهایی را می بینند و چیزهایی را می آموزند که او در پیام پیری و یا در سنین عقل و کمال با آنها آشنا میشود بلکه از گذشتههای مادی و صرف وقت برای رفع حوائج و نیازمندیهای واقعی فرزندان غافل

ت و پرورش فرزندان خود دقت کافی بعمل می آورند؟

میمانند. دیده شده است که مدت‌ها در پهای میز قمار یا فعالیت‌های اجتماعی و یا با درد دل و اختلاط و اختلاط‌های بی‌مصرف و بی‌فایده صرف وقت میکنند ولی فرصتی برای گپ‌زدن و شنیدن مشکلات زندگی فرزندان خود و ارائه طریق بآنها ندارند و از این کار مهم طفره می‌روند.

چقدر از اولیاء را میتوان دید که مبالغ هنگفتی خرج هممانها و لباسهای گران قیمت برای شب‌نشینی‌ها و دید و بازدیدهای بی‌هدف میکنند اما برای اینکه پول توجیبی باندازه کافی بفرزند خود بدهند و یا او را به مدرسه یا یک هزینه تحصیلی‌اش بیشتر است بفرستند امتناع می‌ورزند در جوامع در حال پیشرفت که تاسیسات اجتماعی باندازه کافی برای جانشینی نظام خانوادگی بوجود نیآورده اند آثار تحولات مادی و صنعتی رشته‌ها و پیوندهای خانوادگی و علقه‌های فامیلی را مست می‌کند نقش اولیاء اهمیت و اعتبار مخصوصی کسب مینماید. پدر و مادر باید با قداکاری و صرف وقت و بذل مال خود بسیاری از کمبودهای احساسی و عاطفی جوانان را پر کنند و غیبت سازمان‌های

اجتماعی را که اوقات فراغت و خلاءهای فکری آنها را در جوامع پیشرفته میتوانند بخود تخصیص دهند با حضور خود جبران نمایند و البته این یادآوری بدان معنا نیست که اولیاء جوانان بطور قطع و برای همیشه میتوانند نقش راهنمایی و مشغول داشتن فکر آنها را بعهده بگیرند و نیز در مقابل تجلیل و بزرگداشت تمام آنچه که در دنیای صنعتی و پیشرفته در جهت تخدیر جوانان و غصب اوقات فراغت آنها در جهت بدآموزی میگذرد نیستیم بلکه مراد این است که از یکطرف پیدران و مادران هشدار بدهیم که در جامعه متحول و متحرک ما میتوانند و باید نقش فعال و موثری در زندگی جگر گوشه‌های خود ایفاء کنند و از طرف دیگر با اولیاء امور یادآور شویم که همیشه از یکطرف جوانان را بتحصیل علم و دانش گماشت و راه و روش جدید زندگی را بآنها آموخت و از طرف دیگر از خواستن آنچه خواستنی است باز شان داشت و وسایل آنرا بطور معقول در اختیارشان نگذاشت.

شک نیست که ما در مدت کوتاهی میتوانیم مشکلات جوانان را حل کرده نیازمندیهای آنها را

بر آوریم، ما در زمان محدودی نخواهیم توانست برای جوانان خود تاسیسات آموزشی و معلم و باشگاههای تفریحی و ورزشی و امکانات وسیع کار و اشتغال را فراهم سازیم. در این راه کمبودها را بایستی هر چه زودتر و باتمام وسایل از اولیاء امور خواست ولی اولیاء خانواده نیز فرزندان خود را نباید بزبانده طلبی عادت دهند. همه چیز را از مملکت و دولت بخواهند و بجای وصل، فصل کنند بدون سنجیدن امکانات همه را محکوم نمایند و نوجوانان را در سنین جوانی به بدبینی و مقصر دانستن دیگران و سهل انگاری و بی نظمی عادت دهند. اگر از کمبودهای اجتماعی و ناراحتیهای شغلی و حرفه‌ای خود ناراضی هستیم آنرا بدترین وجه بفرزندان خود منتقل نکنیم و موجبات گسیخته شدن پیوندهای اجتماعی و عصبان جوانان را بدست خود فراهم نسازیم. اینست آنچه که خانواده‌های ما و اولیاء مادر حال حاضر میتوانند انجام دهند تا نقش تسهیل کننده پیشرفت مملکت را بخوبی ایفاء کرده جوانان و فرزندان خود را برای کمک بجبهشهای اجتماعی آماده نمایند.